بسم‌الله الرحمن الرحیم

اشاره:

در ادله «امر به معرف و نهی از منکر» در دایره تکلیف خانوادگی سه آیه عام آیه وقایه (تحریم/6) و آیه ائتمار (طلاق/6) و آیه انذار (شعرا/214) بررسی شد و حدود دلالت هر کدام مورد بررسی قرار گرفت. نوبت رسید به آیاتی که به شکل خاص و محدود مطالبی را مطرح می‌نماید. چند آیه در موضوعات خاص وارد شده که آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

آیه چهارم: مریم/ 55

آیه 55 سوره مریم می‌فرماید: «**وَ کانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ وَ کانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا**»؛ او همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

برخی از نکات تفسیری آیه در بحث‌های سابق ذکر شده است لذا تکرار نمی‌کنیم. یک نکته این است که مراد از اسماعیل چه کسی است؟ آیا مراد همان اسماعیل بن ابراهیم (ع) است یا پیامبر دیگری است؟ این نکته چون در بحث فقهی ما تأثیر ندارد، رد می‌شویم.

تقریب استدلال:

تعبیر «**کانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ و الزَّکاةِ وَکانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا**» یعنی در دایره اهل خود، قیام به امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. سیره و سنت این پیامبر خدا (ع) این بود که خانواده‌اش را امر و نهی می‌کرد. برای روشن شدن ابعاد آیه شریفه به نکاتی اشاره می‌کنیم.

1. حکم مستفاد از آیه (جواز، رجحان یا وجوب)

نکته اول این است که از عبارت «**وَ کانَ يَأْمُرُ**» آیا استفاده وجوب می‌شود یا خیر؟

انجام عمل توسط معصوم (ع) سه پله دارد: جواز، رجحان و وجوب. اگر سیره به حال طبیعی خود باشد، بدون قرینه دال بر جواز است یعنی «**لا تفید اکثر من الجواز**» و اگر قرائنی موجود باشد، سیره می‌تواند دال بر رجحان باشد و احیاناً می‌تواند دال بر وجوب باشد اما با قرائن محکم‌تر.

حد دلالت سیره فعلی

پایه دلالت سیره معصومین (ع) جواز به معنای عام است که قدر متیقن آن جواز به معنای خاص است. دلالت سیره بر رجحان نیازمند قرینه و شاهد است و در مرحله بعد، برای دلالت آن بر حکم الزامی نیازمند قراین متقن هستیم. بنابراین انجام عمل توسط معصوم (ع) سه پله دارد: جواز، رجحان و وجوب.

حد دلالت سیره ترکی

این بحث در سیره فعلی و انجام کار بود؛ سیره «ترکی» هم همین‌طور است. در مرحله دال بر جواز ترک، سپس رجحان ترک و درنهایت بر لزوم ترک فعل دلالت می‌نماید. دلالت سیره معصوم (ع) مبنی بر ترک فعل بر رجحان ترک یا وجوب آن نیازمند قرینه قوی هستیم. این یک بحث کلی در مورد سیره.

قرائن دلالت سیره بر رجحان

بحث دیگر این است که اگر سیره دال بر رجحان باشد، آیا به‌عنوان اولی است یا خیر؟

**قرینه اول: بیان سیره در قرآن**

مکرر عرض کردیم که حدود هشت قرینه می‌تواند در بین باشد که موجب دلالت سیره بر رجحان شود ازجمله اینکه سیره در قرآن ذکر شده باشد. قرآن کتاب تاریخ نیست که چیزی را فکر نشده، نقل نماید. این نقل سیره در لفظ قرآنی وارد شده است لذا دال بر رجحان است. نقل سیره در قرآن، در روایت یا در نقل صحابه بزرگ قرینه می‌شود بر اینکه در آن سیره عنایتی بوده و اینکه دال بر رجحان باشد زیرا معلوم می‌شود این سیره، سیره معمولی نیست.

**سؤال:** در مفهوم سیره استمرار بر فعل وارد شده است...

**پاسخ:** مراد از سیره در این بحث انجام فعل است نه آن مفهوم خاص که در بیان شهید مطهری و برخی از بزرگان وارد شده است. صرف وجود فعل سیره است.

قرینه دوم: استمرار سیره

قرینه دوم این است که سیره مستمره وجود داشته باشد. معصوم همیشه فلان رفتاری را انجام می‌داده است.

قرینه سوم: عبادی بودن موضوع سیره

قرینه سوم این است که موضوع سیره، موضوع عبادی باشد. از فضای شرع فهمیده می‌شود که فعل، فعل متعارف نیست و یا از مسائلی است که از مجموع مناسبات حکم و موضوع می‌دانیم که موضوع، مورد عنایت شارع است مثل اینکه موضوع از آداب شرع باشد.

سه قرینه در آیه شریفه «**کانَ يَأْمُرُ**» وجود دارد؛ اولاً سیره در قرآن نقل شده است، ثانیاً سیره مستمره است و ثالثاً، موضوع امور عبادی است پس مفید رجحان است. شخصیت فاعل فعل مفروض گرفته شده است. آیه در مقام مدح است.

**نکته چهارم:** قاعده تأسی و الگوگیری

نکته چهارم این است که بر اساس آیه شریفه «**لَقَد كانَ لَكُم في رَسولِ اللَّهِ أُسوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كانَ يَرجُو اللَّهَ وَاليَومَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثيرًا**»[[1]](#footnote-1) و نیز آیه شریفه‌ی «**قَد كانَت لَكُم أُسوَةٌ حَسَنَةٌ في إِبراهيمَ وَالَّذينَ مَعَهُ**»[[2]](#footnote-2) یک قاعده فقهی و اصولی داریم با عنوان قاعده «تأسی» که صریح آیات موضوع آن قاعده پیامبر خاتم (ص) و حضرت ابراهیم خلیل (ع) است اما با آن مناط در همه انبیاء (ع) وجود دارد. الگو بودن حضرت اسماعیل (ع) با حکم رجحانی سازگار است پس آیه دال بر رجحان است.

دلالت آیه بر وجوب سخت است گرچه بی‌اشعار نیست. آیه در مقام بیان وظایف ولی، قیم و سرپرست است ولی دلالت آیه بر وجوب، تام نیست.

**سؤال:** از ماده امر استفاده می‌شود که دال بر لزوم باشد.

**پاسخ استاد:** این آیه اشعار دارد اما دلالت آن تمام نیست. امر برای مأمور است که مخاطب باید از وی تبعیت کند.

**سؤال:** وجوب الگوگیری به‌عنوان یک وظیفه همگانی

**پاسخ:** تأسی از الگو در واجبات واجب و در امور رجحانی مستحب است پس تأسی مراتب دارد. باید ملاحظه کرد که فاعل، فعل را به چه نیتی انجام داده است. امر خانوادگی به‌عنوان یک فعل استحبابی از آیه فوق قابل‌استفاده است.

2. تعمیم حکم الگوگیری

نکته دوم که در آیه باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا اختصاص به پیامبر (ع) دارد یا شامل دیگران هم می‌شود و به آنان تسری داده می‌شود؟

آنچه از قرآن کریم به دست می‌آید این است که با توجه به قاعده تأسی، حکم آیه شامل همه مکلفان می‌شود. قاعده تأسی به همه انبیاء (ع) و همه معصومین (ع) قابل تعمیم است. همه امت‌ها مشمول خطاب هستند.

3. مفهوم‌شناسی اهل

نکته سوم که در آیه باید مورد توجه قرار گیرد مفهوم اهل است. درجات مفهوم اهل را ذیل آیه وقایه بحث کردیم. همه آن نکات در اینجا هم قابل بررسی است. قدر متیقن از مدلول آیه این است که مرد نسبت به همسر و فرزندان خود باید امر به نماز و زکات نماید. دایره اول از «اهل» خانواده کوچک است.

4. الغای خصوصیت از نماز و زکات

نکته چهارم این است که در این آیه، زکات در کنار نماز مطرح شده است، بعید نیست که از «صلاة» و «زکاة» الغای خصوصیت شود. یعنی امر و نهی نسبت به همه تکالیف شرعی لازم باشد و نماز و زکات به‌منزله نماد و نمونه امور عبادی مطرح شده است.

البته ذکر نماز و زکات نشان‌دهنده اهمیت آن دو است ولی ممکن است بگوییم اختصاص به آن دو ندارد.

5. امر به امر

بحث دیگر این است که اینجا مصداق امر به امر است؟ مثل اینکه خداوند کسی را امر کند که او مأمور شود تا دیگری را امر نماید. در آیه‌ی «**وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَـئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**»[[3]](#footnote-3) گفته شد که آیه امر به امر است. خدا به اسماعیل امر می‌کند که او به مردم امر نماید. پس روح آیه امر به امر است. خداوند امر می‌کند، تا به دیگران بفهماند که امر کردن واجب است.

6. شمول روش‌های تربیتی

در تعبیر آیه «**وامر اهله ... بالصلاه**» آیا امر خصوصیت دارد یا خیر؟ یا شامل هدایت، تربیت و ... نیز می‌شود.

جمود بر لفظ می‌رساند که «امر» راجح است یعنی ولی باید امر نماید اما با الغای خصوصیت می‌توان گفت امر مصداق یک اقدام تربیتی است. الغای خصوصیت از مورد امر می‌شود. البته امر شامل ضرب و شتم نمی‌شود اما شامل موعظه، نصیحت، بردن بچه به مسجد برای تأثیر پذیری وی، تشویق و ... می‌شود. امر اسالیب مختلف تربیتی را در برمی‌گیرد.

7. شرایط امر و نهی

به لحاظ شرایط عرش شود که اگر هیچ دلیلی در مورد شرایط امر و نهی نداشته باشیم از آیه به دست می‌آید که احتمال تأثیر بدهد و الا رجحان ندارد. ذات گفتن بعید است موضوعیت داشته باشد. احتمال تأثیر از حکم عقل استفاده می‌شود. اگر بدون تذکر مخاطب انجام می‌دهد امر راجح نیست و اگر تأثر ندارد، هم راجح نیست.

8. تعمیم از امر به نماز و زکات به نهی از معاصی

روح تکلیف این است که انسان مبتلا به معصیت نشود.

آیه پنجم: امر اهل به نماز

آیه بعدی آیه 132 سوره طه است: «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا**». این هم یک آیه است که فردا انشاء الله باید بررسی شود.

1. . (احزاب/21)؛ ترجمه: مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. [↑](#footnote-ref-1)
2. . (ممتحنه/4) [↑](#footnote-ref-2)
3. . (آل عمران/104) [↑](#footnote-ref-3)